

## بررسی اقتصادی تولید عسل در شهرستان اردبیل

صدیف بیک زاده - باب اله حیاتی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس - عضو هیأت علمی دانشگاه تبریز و دانشجوی

دکترای دانشگاه تربیت مدرس

وضعیت اقتصادی کشورمان ایجاب می کند که بخش کشاورزی را به عنوان محور توسعه اقتصادی کشور تلقی کنیم. در این میان زیر بخش دامپروری رسالتی حساس و تعیین کننده در توسعه اقتصادی کشور از جنبه های تغذیه، اشتغال زایی و دیگر فعالیت های صنایع وابسته به عهده دارد. از سوی دیگر با توجه به سیاستهای اخیر دولت مبنی بر کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و افزایش صادرات کالاهای کشاورزی و صنعتی جهت تأمین ارز مورد نیاز کشور، تولید کنندگان را به افزایش تولید محصولات که امکانات بالقوه آن را داریم بیش از پیش وادار می کند. در این راستا تولید عسل در کشور از اهمیت خاص خود برخوردار است. متأسفانه بنظر می رسد به دلیل بعضی نارسائیهای مدیریتی نظیر عدم آگاهی زنبورداران در استفاده بهینه از عوامل تولید و... باعث بهره وری پائین نهاده ها شده و در نهایت عملکرد پایین را به دنبال داشته باشد. در این تحقیق سعی شده با استفاده از ابزارهای مدیریتی همچون تابع تولید گامی در جهت افزایش بهره وری تولید عسل در شهرستان اردبیل برداشته شود. برای رسیدن به اهداف تحقیق پس از طراحی پرسشنامه برای جمع آوری آمار و اطلاعات از روش نمونه گیری کاملاً تصادفی برای سال زراعی ۷۸-۱۳۷۷ استفاده گردید، و سپس با توجه به کاربرد فراوان، تابع تولید کاب-داگلاس از روش OLS و نرم افزار Econometric Views تخمین زده شد و پس از ارزیابی فروض فوق مدل نهایی انتخاب گردید و نهایتاً با استفاده از رابطه  $VMPX=PX$  بهره وری جزئی عوامل تولید تعیین گردید.

با توجه به مدل انتخابی کشتشهای جزئی عوامل تولید تعداد کندو، شکر مصرفی، تعداد کارگر به کندو، هزینه کوچ و مهاجرت و موم به ترتیب ۰،۸۴۹، ۰،۱۳۸، ۰،۲۵۴، ۰،۱۶۶، ۰،۲۲۳، ۰- تعیین شد. همچنین این نتیجه بدست آمد که از تعداد کندو و نیروی کار کمتر از حد بهینه اقتصادی، و از نهاده های شکر، هزینه کوچ و مهاجرت و موم بیش از حد بهینه اقتصادی مصرف شده است و بازدهی نسبت به مقیاس در نمونه های مورد بررسی حدود ۰،۲۷۶ می باشد که حاکی از نزولی بودن بازدهی نسبت به مقیاس واحدهای تولیدی می باشد.